



الكتاب الجديد

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
یادداشت:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
شناسه افزوده:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

کلیف، تونی Cliff, Tony
تاریخ سیاسی زنان / نوشته تونی کلیف؛ ترجمه‌ی نیکزاد زنگنه.
تهران: افکار جدید، ۱۳۹۹.
۴۴۸ ص.
۹۷۸-۶۲۲-۷۳۵۶-۱۷-۵
فیبا
عنوان اصلی: Class struggle and women's liberation, 1640 to today
حقوق زن -- تاریخ -- مطالعات میان فرهنگی
Women's rights -- History -- Cross-cultural studies
فمینیسم -- تاریخ -- مطالعات میان فرهنگی
Feminism -- History -- Cross-cultural studies
مناقشات اجتماعی -- تاریخ -- مطالعات میان فرهنگی
Social conflict -- History -- Cross-cultural studies
زنگنه، نیکزاد، ۱۳۶۶-، مترجم
HQ۱۱۲۱
۴۲/۳۰۵
۶۲۱۳۸۸۸

Class struggle and women's liberation, 1640 to today

Tony Cliff

تاریخ سیاسی زنان

مبارزه‌ی طبقاتی و آزادی خواهی زنان

نویسنده: تونی کلیف

مترجم: نیکزاد زنگنه



افکار جدید

تاریخ سیاسی زنان (مبارزه‌ی طبقاتی و آزادی خواهی زنان)






نویسنده: تونی کلیف
مترجم: نیکزاد زنگنه

مدیر تولید: مینا مغانلو
صفحه‌آرا: سیده سمانه حسن‌زاده
چاپ و صحافی: پردیس دانش

تیراژ: ۵۰۰ نسخه
نوبت چاپ: سوم، ۱۴۰۱
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۵۶-۱۷-۵

نشانی: تهران، خیابان نواب صفوی شمال، نبش آذربایجان، جنب ایستگاه
متروی نواب، برج گردون، ورودی شمال، طبقه‌ی نهم، واحد ۹۰۳
کدپستی: ۱۳۱۹۶۵۳۸۸۶
تلفن دفتر و دورنگار: ۰۲۱۶۶۳۸۳۳۱۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

 nashrefkar@gmail.com
 @nashrafkar
 nashrefkar
 Fidibo.com/nashrefkar
 Taaghche.ir/nashrefkar

فهرست مطالب



۱	یادداشت مترجم.....
۵	پیش‌گفتار نویسنده.....
۷	مقدمه.....
۱۹	فصل اول: تولد یک رویا.....
۲۷	فصل دوم: انقلاب فرانسه.....
۲۹	فمینیست‌های بورژوا.....
۳۴	زنان کارگر.....
۴۲	زوال انقلاب.....
۴۷	خط سیر بازویرهنگان.....
۴۹	واکنش زنان.....
۵۰	نتیجه‌گیری.....
۵۳	فصل سوم: زنان در کمون پاریس.....
۵۵	میراث ایده‌های خرده‌بورژوازی.....
۵۹	زنان در کمون.....
۶۱	اتحادیه‌ی زنان.....
۶۲	عملکرد.....
۶۷	روزهای پایانی.....
۷۰	نتیجه‌گیری.....
۷۳	فصل چهارم: جنبش زنان قرن نوزدهم در آمریکا.....
۷۷	در دنیاهاى متفاوت.....
۷۹	شوالیه‌های کار.....
۸۳	فدراسیون کارگران آمریکا.....
۸۵	کارگران صنعتی جهان.....



- ۱۸۹..... البیزابت گرلی فلین.....
- ۹۲..... «مادر جونز».....
- ۹۴..... «نان و گل های سرخ».....
- ۹۶..... پیمان اتحادیه‌ی کارگری زنان.....
- ۹۹..... حزب سوسیالیست: آشفستگی، ابهام و بی‌نظمی.....
- ۱۰۶..... نتیجه‌گیری.....

فصل پنجم: جنبش زنان سوسیالیست در آلمان.....

- ۱۱۱.....
- ۱۱۴..... سازمان‌دهی زنان در اتحادیه‌های کارگری.....
- ۱۱۸..... فمینیسم بورژوایی از نگاه زتکین.....
- ۱۲۳..... نشریه‌ی برابری.....
- ۱۲۶..... زتکین و جنبش بین‌المللی زنان سوسیالیست.....
- ۱۲۷..... مخالفت راست‌گرایان با زتکین.....
- ۱۳۰..... آگوست ۱۹۱۴: نقطه‌ی عطفی به نام جنگ.....
- ۱۳۴..... پایان غم‌انگیز جنبش زنان اسپد.....
- ۱۳۶..... اعمال کنترل راست‌گرایان افراطی بر جنبش فمینیستی بورژوایی.....

فصل ششم: مارکسیست‌های روسیه و کارگران زن.....

- ۱۴۵..... فمینیسم اصیل‌زادگان.....
- ۱۴۷..... فمینیست‌های بورژوا.....
- ۱۵۱..... زنان در جنبش انقلابی.....
- ۱۵۲..... زنان و مبارزه‌ی صنعتی.....
- ۱۵۵..... بیداری انقلاب ۱۹۰۵.....
- ۱۵۹..... اولین کنگره‌ی زنان پان‌روس.....
- ۱۶۴..... ارتجاع و جانی تازه.....
- ۱۶۶..... روز جهانی زنان.....
- ۱۶۸..... رابوتنیستا.....
- ۱۷۰..... علیه جدایی‌گرایی.....
- ۱۷۲..... به سوی اکتبر.....
- ۱۷۷..... بار سنگین قرن‌ها.....
- ۱۷۹..... نتیجه‌گیری.....

فصل هفتم: جنبش‌های زنان در انگلیس.....

- ۱۸۷.....
- ۱۸۷..... زنان کارگر در نیمه‌ی اول قرن نوزدهم.....
- ۱۹۱..... اتحادیه‌گرایی جدید.....



۱۹۳	فدراسیون ملی کارگران زن
۱۹۵	محافظه‌کاری جنبش کارگری بریتانیا
۲۰۲	مشکلات زنان طبقه‌ی کارگر
۲۰۳	اتحادیه‌ی اجتماعی و سیاسی زنان
۲۰۷	راهی به بن‌بست
۲۱۲	سیلویا پنکهرست
۲۱۸	تأثیر انقلاب روسیه
۲۲۳	زنان بریتانیا به حق رأی دست یافتند
۲۲۴	نتیجه‌گیری
۲۲۹	فصل هشتم: داستان غم‌انگیز فرانسه
۲۳۱	بار سنگین سنت جمهوری خواهی
۲۳۴	چالش کم‌مایه‌ی فمینیسم بورژوازی
۲۳۵	نتایج ناچیز
۲۳۹	فصل نهم: انقلاب و ضدانقلاب در روسیه
۲۴۳	ژنوتدل
۲۴۸	واقعیت بی‌رحمانه
۲۵۴	ضدانقلاب
۲۵۹	تفسیر فمینیستی رادیکال
۲۵۹	به سوی بیابان
۲۶۳	فصل دهم: شکست پیروزی: جنبش آزادی‌خواهی زنان
۲۶۳	در ایالات متحده
۲۶۳	جنبش حقوق مدنی
۲۶۹	ظهور جنبش زنان از میان فروپاشی جنبش‌های دانشجویی و
۲۷۴	نظریه‌ی فمینیستی رادیکال
۲۷۶	توسط طبقه‌ی میانی، برای طبقه‌ی میانی
۲۸۰	انزوای سیاسی و تفرقه
۲۸۴	پژمرده شدن جنبش زنان
۲۹۱	فصل یازدهم: جنبش زنان در بریتانیا
۲۹۲	مبارزه برای دست‌مزد برابر
۲۹۵	دوری از جنبش کارگری
۲۹۸	فروپاشی



در مسیرهای متفاوت	۳۰۵
کارزار سقط جنین: یک پیمان پر آشوب.....	۳۰۶
جنبش آزادی‌خواهی زنان در مواجهه با حملات توری.....	۳۰۸
آموزه‌هایی از جنبش آزادی‌خواهی همجنس‌گرایان.....	۳۱۱
زنان و جنبش صلح.....	۳۱۵
لغزیدن به سمت حزب کارگر	۳۱۷
نتیجه‌گیری	۳۲۰
فصل دوازدهم: ریشه‌های طبقاتی جنبش زنان	۳۲۵
فصل سیزدهم: بقای خانواده.....	۳۳۷
واکنش به وحشت انقلاب صنعتی	۳۳۹
بازسازی خانواده‌ی کارگری.....	۳۴۳
فصل چهاردهم: خانواده: پناهگاهی در یک دنیای بی‌رحم؟	۳۵۱
رویا‌های فروپاشیده	۳۵۴
نابرابری در خانواده	۳۵۹
کارِ خانه.....	۳۶۳
والدین و فرزندان	۳۶۵
خشونت در خانواده	۳۶۹
خانواده در نقش بختک‌بیماری روانی.....	۳۷۲
خانواده پناهگاهی تسخیرناپذیر نیست	۳۷۵
انحراف از معیار	۳۷۸
فصل پانزدهم: مبارزه برای سوسیالیسم و آزادی زنان	۳۸۵
ریشه‌های طبقاتی سرکوب زنان.....	۳۸۵
زنان در مشاغل دارای درآمد	۳۹۴
مبارزه‌ی طبقاتی.....	۴۰۲
واژه‌نامه	۴۱۳
نمایه	۴۱۷

یادداشت مترجم

« ۲۰ می ۱۹۱۷ متولد شد؛ یک یهودی فلسطینی که در سال ۱۹۴۶ به بریتانیا آمد. این مقارن بود با دو سال پیش از اعلام موجودیت دولت اسرائیل که کلیف به‌عنوان یک انترناسیونالیست و ضدصهیونیست با آن مخالف بود ... من ... بیشتر از بیست سال با کلیف کار کردم. شخصیتی فوق‌العاده داشت؛ ترکیبی بی‌نظیر از فهم، اراده، افسون و خوش طبعی، همراه با نیرویی پاک.» این جملات آغازین یادداشت کوتاهی^۱ است که الکس کالینیکوس^۲ نظریه‌پرداز سیاسی بنام، به مناسبت صدمین سال تولد تونی کلیف^۳ نوشته است. کلیف که با نام عبری ییگائیل گلاکشتاین^۴ متولد شد، هرگز شهروند بریتانیا نشد و تا پایان عمر بدون تابعیت باقی ماند. او پس از ورود به این کشور گروهی مارکسیستی را بنیاد نهاد که پس از دهه‌ها با طی فراز و فرودهای بسیاری در نهایت به «حزب کارگران سوسیالیست»^۵ تبدیل شد و کلیف در زمان درگذشتش از رهبران آن بود. او در سال‌های طولانی فعالیت خود به‌عنوان یک انقلابی نظریه‌پرداز، کتاب‌های متعددی در حوزه‌ی مارکسیسم تألیف کرد. کالینیکوس در پایان یادداشت خود می‌نویسد: «وضعیت سیاسی حاضر از هر لحاظ بسیار متفاوت از زمانه‌ی کلیف است، با وجود این، ما هنوز می‌توانیم از نوشتارهای نظری و تجربه‌های عملی او بیاموزیم.»

نسخه‌ی اصلی کتاب حاضر که مبارزه‌ی طبقاتی و آزادی‌خواهی زنان^۶ نام دارد، نخستین

-
1. Tony Cliff matters for socialists today (23 May 2017)
 2. Alex Callinicos (1950-)
 3. Tony Cliff (1917-2000)
 4. Yigael Gluckstein
 5. The Socialist Workers Party (SWP)
 6. *Class Struggle and Women's Liberation: 1640 to the Present Day*

بار در ۱۹۸۴ منتشر شده است و بر اساس عنوان فرعی آن، وقایع مربوط به بازه‌ی زمانی سال‌های ۱۶۴۰ تا اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی را در بر می‌گیرد.^۱ کلیف بیش از یک دهه پس از انتشار این اثر، در کتاب زندگی‌نامه‌ی خود به انگیزه‌ی نوشتن آن اشاره می‌کند:

نشریه‌ی صدای زنان^۲ یکی از اقدامات خطیری بود که «حزب کارگران سوسیالیست» درگیر آن شد ... متأسفانه اگرچه من در بخش رهبری حزب بودم، اما هرگز اجازه پیدا نکردم در فعالیت صدای زنان شرکت کنم. هرگز در نشست‌های آن‌ها صحبت نکردم و حتی یک سطر برای این نشریه ننوشتم ... دلیل این وضعیت اختلاف بنیادینی بود که با رفقا در صدای زنان داشتم. من در پیروی از سنت «حزب بلشویک» که بر منافع مشترک کارگران زن و مرد اصرار می‌ورزید، ثابت‌قدم بودم. اما رفقای من در صدای زنان با همکاری مردان موافق نبودند ... به‌زعم من کارگران مرد از سرکوب زنان نفعی نمی‌برند. تصور کنید کارگر مردی برای دوست خود بنویسد: «خبر خوبی برات دارم. دستمزد همسر من خیلی پایینه. تازه هیچ مهد کودکی هم برای بچه‌هامون وجود نداره. و از همه بهتر این‌که زنم بارداره و ما می‌خوایم بچه رو سقط کنیم اما نمی‌تونیم.»

با نگاهی به گذشته، اشتباهات من در مواجهه با صدای زنان ... روشن می‌شود. من همیشه با آن مخالفت می‌کردم اما دقیق‌تر به موضوعات مورد طرح آن‌ها، نمی‌پرداختم. با وجود این، مدت‌ها پس از انحلال گروه‌های مرتبط با صدای زنان و توقف انتشار خود نشریه، تحلیلی کلی از این موضوع را در کتابی با عنوان مبارزه‌ی طبقاتی و آزادی خواهی زنان مطرح کردم. پیش از آن فقط در حد نوشتن یادداشت‌های پراکنده به این موضوع پرداخته بودم. و مهم‌تر از همه، در این زمینه به رابطه‌ی دیالکتیکی بین بهره‌کشی و ستم پرداخته بودم.^۳

۱. نسخه‌ی فارسی این کتاب تاکنون به طور کامل منتشر نشده است؛ با این حال مقدمه، فصل دوازدهم و خلاصه‌ای از تمام فصل‌های کتاب در سه سایت مختلف اینترنتی در دسترس است. همه‌ی این برگردان‌ها بدون ذکر نام مترجم و یا با نام مستعار منتشر شده‌اند.

2. *Women's Voice*

3. *Tony Cliff: A World to Win - Life of a Revolutionary* (2000)

بدیهی است که با گذشت بیش از سی سال از انتشار کتاب، بسیاری از داده‌های آماری و گزارش‌ها و طبیعتاً تحلیل‌های مبتنی بر آن‌ها - به‌ویژه در فصل‌های پایانی، یعنی بخش‌هایی که به طور مشخص مربوط به نیمه‌ی دوم قرن بیستم است - دستخوش تغییرات چشم‌گیری شده باشد. از این رو، مزیت اصلی این کتاب نه در ارائه‌ی اطلاعات به‌روز، بلکه بابت دستگاه تحلیلی بسیار مهمی است که کلیف برای بررسی مقوله‌ی تاریخی نابرابری جنسیتی برگزیده است: واکاوی و صورت‌بندی رابطه‌ی میان سرکوب زنان با بهره‌کشی طبقاتی.

علاوه بر این، روایت تاریخی مستدل و مستند کلیف از روند و ماهیت شکل‌گیری جنبش‌های معطوف به رهایی‌بخشی زنان، به خواننده کمک می‌کند که رویدادها را در بستر اقتصادسیاسی ویژه‌ی هر دوره‌ی زمانی درک و تحلیل کند. پیوند زدن تجربه‌های انضمامی نویسنده به ریشه‌های تاریخی آن با استفاده از رویکرد ماتریالیسم تاریخی، مهم‌ترین وجه تمایز این اثر از روایت‌های جریان اصلی است. از این رو، مهم‌ترین هدف از ترجمه‌ی این کتاب تسهیل دسترسی خواننده‌ی فارسی‌زبان به یکی از منابع ارزشمند حوزه‌ی تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی زنان سراسر جهان است؛ با این دورنما که به گسترش دانش و نگارش تحلیل‌های جدید یاری برساند.

در انتها باید چند نکته را خاطر نشان کرد:

فهرست منابع و ارجاعات و یادداشت‌های مد نظر نویسنده در پایان هر فصل آمده است. همه‌ی پانویس‌ها پس از مرور تطبیقی منابع مختلف و با هدف تسهیل درک فضای تاریخی - جغرافیایی مربوط به هر فصل توسط مترجم نگاشته شده است و شامل اسامی کتاب‌ها و نشریات، شهرها و روستاها یا نام و توضیح سابقه و سرنویشت احزاب، گروه‌ها، اتحادیه‌ها و برخی چهره‌های تاریخی است که در متن اصلی به آن‌ها اشاره‌ی خاصی نشده است. تنها در موارد معدودی که اطلاعات دقیقی به دست نیامده، از نشان اختصاری «نا» به‌عنوان نام‌شخص استفاده شده است.

در برگردان متن به حد بضاعت برای انتخاب معادل‌های درست - و نه لزوماً رایج - تلاش کرده‌ام؛ از این رو ممکن است برخی از واژه‌ها در ابتدا ناآشنا باشند. از سوی دیگر، برخی واژه‌های متن اصلی، عامدانه و آگاهانه ترجمه نشده‌اند. زیرا با توجه به گستردگی و

نفوذ برخی واژگان یا عناوین در ادبیات نظری و دلالت تاریخی آن‌ها بر مفاهیم سیاسی و اجتماعی مشخص، استفاده از خود آن‌ها خواندن و درک یک متن را تسهیل می‌کند. ترجمه‌ی متن‌هایی از این دست که مملو از ارجاعات تاریخی مرتبط با سرزمین‌ها و دوره‌های تاریخی مختلف است، دشواری خاص خود را دارد. برای غلبه بر پیچیدگی‌های معنایی و یافتن برگردان‌های درست واژه‌ها و مفاهیم تخصصی، غیرمتداول و یا آن‌هایی که در زبان فارسی معادل روشن و دقیقی ندارند (به ویژه در بخش‌های مربوط به کشورهای غیرانگلیسی‌زبان)، بارها ضرورت مراجعه به دسترنج مترجم‌های دیگر و یا مشورت با کسانی که به ادبیات این حوزه آشنا هستند، پیش آمد. از بذل وقت و دقت همه‌ی آن‌ها بی‌نهایت سپاس‌گزارم.

نیکزاد زنگنه

آبان ۱۳۹۹

پیش‌گفتار نویسنده

از زحمات مری فیلیپس^۱ و دانی گلاکشتاین^۲ برای برگردان‌هایی که از زبان آلمانی و فرانسه انجام دادند، بسیار ممنونم. رفقای زیادی این دست‌نوشته را خواندند و با نظرات خود به بهبود آن کمک کردند: آبی باکان^۳، ایان بیرکال^۴، نورا کارلین^۵، لیندزی جرمن، پیت گودوین^۶، نوئل هالیفکس^۷، شیلای مک‌گرگور^۸، آن راجرز^۹، احمد شوقی^{۱۰}، هریت شروود^{۱۱}، لیونل سیمز^{۱۲}، شارون اسمیت^{۱۳}، لیونل استارلینگ^{۱۴} و جین یور-اسمیت^{۱۵}. با تشکر ویژه از الکس کالینیکوس که برای ویرایش کتاب زحمت بسیاری کشید و پیتر مارسدن^{۱۶} که آن را به مرحله‌ی انتشار رساند.

بیش از همه مدیون چینی روزنبرگ^{۱۷} هستم که با ویرایش اساسی و تنظیم سه نسخه‌ی مختلف، این دست‌نوشته را به اثری قابل خواندن تبدیل کرد. گرچه دین من به او بیش از این هاست؛ به ویژه بابت پشتیبانی روحی و محبت بی‌دریغی که در این دو سال به من ارزانی داشت.

تونی کلیف

1. Mary Phillips

۲. Donny Gluckstein (-۱۹۵۴): نویسنده، تاریخ‌نگار بریتانیایی و فرزند کلیف.

3. Abbie Bakan

4. Ian Birchall

5. Norah Carlin

6. Pete Goodwin

7. Noel Halifax

8. Sheila MacGregor

9. Ann Rogers

10. Ahmed Shawki

11. Harriet Sherwood

12. Lionel Sims

13. Sharon Smith

14. Lionel Starling

15. Jane Ure-Smith

16. Peter Marsden

۱۷. Chanie Rosenberg (-۱۹۲۲): آموزگار، هنرمند سوسیالیست و همسر کلیف.

مقدمه

در طول صد و اندی سال گذشته، دو جنبش مختلف در پی آزادی بخشی زنان و از بُن برانداختن موقعیت نابرابر و تحت ستم آن‌ها در جامعه‌ی امروز و جایگزین ساختن آن با برابری کامل و حقیقی میان زن و مرد بوده‌اند؛ مارکسیسم و فمینیسم. (۱) با این حال، این دو جنبش، ستم بر زنان را به دو شیوه‌ی بسیار متفاوت تبیین می‌کنند و راهبردهای آن‌ها کاملاً در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرد.

اختلاف اصلی جهان به زعم فمینیسم، اختلاف میان زنان و مردان و علت ستم‌دگی زنان، پافشاری مردان بر ادامه‌ی اعمال کنترل و سلطه بر آن‌ها است. تاریخ، داستان ساختارهای مردسالارانه‌ی تغییرناپذیری است که مردان از رهگذار آن‌ها زنان را به انقیاد کشانده‌اند. تنها راه برانداختن این ساختارها توسط زنان - از هر طبقه‌ی اجتماعی - اتحاد علیه مردان تمام طبقات اجتماعی است.

اما برای مارکسیسم، ستیز اساسی در جامعه، نه ستیز بین جنس‌ها که ستیز طبقاتی است. هزاران سال است که اقلیتی از مردان و زنان برای تصاحب کار اکثریت عظیم مردان و زنان کارگر با یکدیگر همدستی کرده‌اند. مبارزه‌ی طبقاتی بین استثمارکننده و استثمارشونده - فارغ از جنس - نیروی محرکه‌ی دگرگونی‌های تاریخی بوده است. از این رو، ستم بر زنان تنها در بستر روابط گسترده‌تر بهره‌کشی طبقاتی قابل درک است.

هرچند در سال‌های اخیر برخی از فمینیست‌های سوسیالیست کوشیده‌اند تا شکاف بین این دو دیدگاه را کاهش دهند، اما واقعیت این است که هیچ سازشی نمی‌تواند بین آن‌ها وجود داشته باشد. سوسیالیست‌ها از زمان اندیشمندان بزرگ سوسیالیسم تخیلی در

اوایل قرن نوزدهم یعنی سن سیمون^۱، فوریه^۲ و رابرت اُون^۳، هدف خود را آزادی تمام و کمال بشریت قرار داده‌اند؛ یعنی برانداختن بهره‌کشی طبقاتی و سرکوب جنسی و تمام آشکال دیگر ستم.

مارکس و انگلس با گسترش مفهوم ماتریالیستی تاریخ توانستند نشان دهند که تنها مبارزه‌ی طبقاتی است که می‌تواند به سوسیالیسم و آزادی زنان بینجامد. کارگران مرد و زن از بهره‌کشی در محیط کار تجربه‌ی مشابهی دارند و همین آن‌ها را به سمت سازمان‌دهی جمعی علیه سرمایه‌داری هدایت می‌کند. مبارزه‌ی همین طبقه‌ی کارگر همبسته است که ستم و بهره‌کشی را به یکسان از بین خواهد برد.

این کتاب - با پس‌زمینه‌ی جنبش فمینیستی پنجاه سال گذشته - در پی آن است که نشان دهد چگونه آزادی‌خواهی زنان به مبارزه‌ی طبقاتی متکی است. برای حل و فصل کردن ایده‌های این جنبش که اغلب مبهم هستند، باید به برخی موضوعاتی که توسط آن مطرح شده است، اشاره کرد.

نخستین موضوع، تصور این جنبش از موقعیت زن در تاریخ است. جنبش زنان به درستی از این‌که زنان «از دید تاریخ پنهان مانده‌اند» شکایت دارد، اما میان این ناپیدایی و ماهیت طبقاتی شیوه‌ی نگارش و آموزش تاریخی جامعه‌ی ما ارتباطی نمی‌بیند. تاریخی که تنها بر فعالیت‌های نخبگان حاکم یعنی پادشاهان، ژنرال‌ها، نخست‌وزیرها، پاپ‌ها، بانکدارها، کارخانه‌دارها، هنرمندان بزرگ، دانشمندان و فلاسفه متمرکز است و در میان آن‌ها به جز چند ملکه، امپراتریس و ژاندارک^۴ باقی همه مرد هستند. از این‌رو، تاریخ در قالب داستانی مردانه نگاشته شده است. اما در میان مردان نیز تنها تعداد محدودی افتخار ورود به این تاریخ را یافته‌اند. پس این شکایت که زنان از تاریخ حذف شده‌اند، بدون توجه به این‌که اکثر مردان نیز عملاً دچار سرنوشت مشابهی شده‌اند، به معنای پذیرش انگاره‌های نخبه‌گرایانه‌ی بنیادین تاریخ «رسمی»

۱. Saint-Simon (۱۸۲۵-۱۷۶۰): فیلسوف و نظریه‌پرداز سیاسی-اقتصادی فرانسوی.

۲. Charles Fourier (۱۸۳۷-۱۷۷۲): فیلسوف و متفکر سوسیالیست فرانسوی.

۳. Robert Owen (۱۸۵۸-۱۷۷۱): مصلح اجتماعی و از بنیان‌گذاران سوسیالیسم تعاونی اهل ولز.

۴. Joan of Arc (۱۴۱۲-۱۴۱۲): قدیسه‌ی فرانسوی کلیسای کاتولیک که به خاطر ضدیت با قوانین کلیسا سوزانده شد.

است. تنها مخالفان ثابت قدم این مجموعه‌ی عقاید غالب، مارکسیست‌ها هستند؛ آن‌ها اعلام می‌کنند که «تاریخِ جوامع، تاریخِ مبارزه‌ی طبقاتی است» و از این رو است که طبقات استعمارشده و ستمدیده نیز - چه مرد و چه زن - به اندازه‌ی طبقات حاکم سوژه‌ی تاریخ هستند.

در مقابل، تاریخ‌نگاران بورژوا به توده‌های مردم به چشم اُبژه‌های تاریخ نگاه می‌کنند که از اقدامات حاکمان تأثیر پذیرفته‌اند. بر همین سیاق، جنبش زنان نیز در اکثر موارد زنان را اُبژه‌های تاریخ یعنی قربانی‌های ستم مردانه می‌بیند. فمینیست‌ها از آن‌چه جامعه و یا افراد بر سر زنان آورده‌اند، سخن می‌گویند. در این بینش، زنان یا منفعل هستند یا در بهترین حالت به فشارهای مردانه واکنش نشان می‌دهند. مهم‌ترین هوادار مفهوم «قربانی» بودن زن در تاریخ در سال‌های اخیر سیمون دوبووار^۱ است. از دید او زنان همواره منفعل بوده‌اند و موارد استثنا - یعنی زنان بزرگی چون ژاندارک و ملکه الیزابت اول - عظمت خویش را از طریق از آن خود کردن و ویژگی‌های مردانه به دست آورده‌اند.

یکی دیگر از پندارهای مربوط به قربانی بودن زنان این است که تاریخ در آن‌ها تغییری ایجاد نکرده است و زنان همواره تجسم خصوصیات زنانه‌ای بوده‌اند که از هر چیز دیگری سرنوشت‌سازتر است. ارزش‌های مورد حمایت جنبش آزادی‌خواهی زنان همواره در تقابل با ارزش‌های ستمگران یعنی «شیوه‌ی مردانه‌ی انجام کارها» قرار می‌گیرد. مردان «سلسه‌مراتب»، «مردسالاری» و «قدرت» را نمایندگی می‌کنند و زنان نماینده‌ی خواهری، همبستگی و هم‌زیستی هستند. احزاب سیاسی و سازمان‌های اتحادیه‌ی کارگری به‌عنوان «ساختارهای مردانه» و «سازمان‌هایی با الگوی مردانه» توصیف می‌شوند و تلقی فمینیست‌ها از خلافتکاری «مثل مردها» بودن است.

این‌گونه است که جنبش زنان به‌آینه‌ی تمام‌نمای همان ارزش‌ها و استانداردهایی تبدیل می‌شود که به دست مرتجع‌ترین مردان استقرار یافته‌اند. کسانی که همواره سرشت ابدی و تغییرناپذیر زنان را دستاویز قرار داده‌اند، خصومت بیشتری نسبت به زنان دارند؛ نوعی زنانگی ازلی و ابدی که همواره بهانه‌ای برای توجیه آشکال‌گون‌گون محدودیت‌های اجتماعی

1. Simone de Beauvoir (1908-1986)